

نخست جمع‌بندی جلسات ۱ تا ۹ گروه راهبردی مرتع به شرح زیر مرور گردید:

۱. علیرغم افزایش تعداد متخصصین مرتع کشور، صرف اعتبارات و اغلب مسائل و مشکلات کنونی مراتع کشور همان مسائل و مشکلاتی است که طی دهه‌های گذشته مطرح می‌شده است.
۲. نگرش بخشی در سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور یکی از مشکلات عمده در رسیدن به راه حل برای مشکلات مراتع است. ؟
۳. علیرغم ایجاد تشکلهای مختلف، و مطرح شدن ضرورت مشارکت مردم، در عمل نقش و جایگاه مردم فراتر از جلسات و نشستها در عرصه مرتع نقش مردم و دانش بومی آنها نمود و بروز پیدا نکرده است.. به لحاظ نظری در موضوع مشارکت هنوز فهم مشترک و صحیحی از مشارکت در سازمان وجود ندارد
۴. در حوزه فرهنگ سازی علیرغم اتفاق نظر در این مهم هنوز دریافت از مسئله به صورت ملی نیست
۵. تحت شرایطی که تحولات اقتصاد جهانی و پی آمد های آن بر کشور، اثرات ناشی از تغییر درآمدهای دولت، تاثیر تعهدات دولت در کنوانسیونهایی که در آن عضویت دارد مسائلی است که هریک به نوعی از طریق تاثیری که بر ظرفیتهای دولت برای تحقق اهداف برنامه هایش در پی دارد می تواند بر مسائل مربوط به مراتع کشور تاثیر گذار باشد.
۶. ظرفیتهایی که در قوانین مصوب از جمله قانون افزایش بهره وری وجود دارد به دلیل عدم اجرا یا اجرای ناقص نیاز به تامل و بررسی دارد به خصوص در زمینه تعادل دام و مرتع جمع بندی مسول
۷. در کار تحقیقاتی همه چیز قابل کنترل است، ولی در کار اجرا تاثیر عوامل مختلف امکان تحت کنترل درآوردن همه عوامل نیست. تاثیر مسائل اقتصادی و اجتماعی روستائیان، نبود هیچ در آمدی در مناطق روستاها زمینه فشار و دست اندازی به مراتع را فراهم کرده است. علم و دانش شناخت از مرتع در ایران کم نیست، ولی وقتی سازمان اجرایی با مسائلی در اجرا مواجه می شود که عمدتا ناشی از فشار بهره بردارانی که تکیه آنها بر منابع طبیعی است. اگر پیشرفته ترین علم مرتع هم در اختیار باشد، تحت شرایط مراتع ایران شکوفا نمی شود تحقیقات به وظایف خود عمل کرده ،سازمان جنگلها نیز کار خود را انجام داده است. ولی هر دستگاهی به تناسب حوزه کاری خود به مراتع تجاوز کرده است. این دخالتها تعادل سیستم مرتع را به هم زده است. باید از نگاه درون بخشی بیرون بیاییم مشکل ما خارج از سازمان جنگلها است باید در آنجا حل مشکل را جستجو کرد. امروز دنیا مرتع را فقط محل تامین علوفه نمی داند
۸. نخست این که دولت متولی است. نگاه دوم اینکه مردم هستند و هرچه می خواهند انجام می دهند. بعد از ملی شدن سالهای سال تقابل بین دولت و بهره برداران مطرح است. به نظر می رسد تعامل بین مردم و دولت باید با قوت پیگیری شود. اگر راهی برای گذراندن چرخ زندگی مردم بدست آورد می توان به از بین رفتن فشار و تخریب بر منابع طبیعی امیدوار بود. مشکلات همان مشکلات سی سال قبل است. سی سال قبل مشکل شهرک سازی به این ابعاد نبوده است. توسعه ساخت و ساز و بهره برداری از معادن همه از عرصه منابع طبیعی است. اینها نوپدید هستند. نباید درون بخشی به مسئله نگاه کرد. مسولیت دادن به مردم و هزینه کرد بخشی از اعتبارات به دست مردم.
۹. مشکل دام مازاد آنگونه که به طور مستمر در نشستها و جلسات مطرح می شود، در همه جا اینگونه نیست مثال: در مناطقی از روستاهای استان مرکزی و مناطقی از استان زنجان جمعیت دام کاهش یافته است. فرزندان کسانی که به حرفه دامداری اشتغال داشته و مدیریت چرای دام را در عرصه عهده دار بوده اند در مناطقی از کشور، تمایلی به این شغل ندارند و مهاجرین افغان هدایت گله را عهده دار هستند که تجربه مرتعداران گذشته را ندارند. افزایش رفاه اجتماعی در سایر اقشار اجتماعی اتفاق افتاده است ولی جامعه بهره بردار از مرتع نسبت به سایر اقشار اجتماعی از رفاه کمتری برخوردار هستند.

۱۰. باید منافع مختلف مرتع را تعریف و سپس استفاده از آنها را برای اهداف بهبود مراتع برنامه ریزی نمود.
۱۱. ضرورت پذیرش اجتماعی و اینکه مردم ایده ها و برنامه های ما را بپذیرند تا در کنار ما قرار گیرند. در شیوه های کنونی مردم ما را مقابل خود احساس می کنند. هنوز قادر به واگذاری مسئولیت اجرای پروژه های اجرایی اصلاح مراتع به مردم نیستیم و نتوانسته ایم راه کار قانونی آن را فراهم کنیم. وجود تعداد زیادی پرونده تخلف در منابع طبیعی نشانه خوبی نیست و بیان نوعی اشتباه در عملکرد و رویه های مدیریت منابع طبیعی است.
۱۲. طرح مدیریت مرتع در قالب یک طرحی که کلیه منابع موجود در مرتع اعم از علوفه، معدن، گیاهان دارویی و همچنین کلیه فعالیتهای اقتصادی متکی به مرتع اعم از زنبورداری و گردشگری و راههای افزایش بهره وری دام وابسته به مرتع در یک طرح لحاظ و منافع آن در جهت ایجاد درآمد جایگزین برای مرتعدار و کاهش وابستگی به علوفه مرتع و کاهش جمعیت دام مورد توجه قرار گیرد.
۱۳. تغییر در نگرش و تفکر سازمان بازرنگری در شیوه عمل در حوزه آبخیزداری. مشکل جدا افتادگی اجزاء سازمان و نبود یک برنامه ای با پوشش در برگیرنده همه اجزاء سازمان به صورت مجموعه ای هماهنگ، مدیریت جزیره ای و بدون ارتباط محتوایی واحدهای مختلف هر دفتر موافقتنامه جداگانه دارد..
۱۴. عدم تثبیت کاربری شرایط را مستعد دست اندازی به منابع طبیعی کرده و نوعی ناپایداری را در عرصه های منابع طبیعی را موضوعیت بخشیده، سازمان در امر تثبیت کاربری های موفق نبوده است. در مدیریت برنامه ها و طرحها، سازمان هم مجری است، هم ناظر و هم تحلیل گر نتایج،
۱۵. از ابتدا وزن جنگل بیشتر از مرتع بوده و آغاز فعالیت قانونمند سازمان از جنگلها
۱۶. مرتع منبع ثابت ولی تقاضا رو به افزایش است، باید برای سرریز جمعیت فکر بشود. باید تناقضها را شناخت این طور نیست که همه جا مشکل یکسان باشد در برخی روستایی دام و دامدار از مرتع خارج شده است. پی آمدهای خشکسالی، کمبود آب و به تبع آن کاهش درآمد مردمی که به این منابع وابسته اند، موجب خارج شدن آنان از این عرصه و تلاش برای کسب درآمد در خارج از روستا شده است. سیر مهاجرت از روستا به شهر، کاهش تمایل به چوپانی و کاهش جمعیت چوپان با تجربه و حرفه ای از پیامدهای این تحولات است
۱۷. مسئله بازرگانی و فروش محصول و تاثیر نوسانات قیمت بر درآمد دامدار نیز از مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد
۱۸. باید بین دامداران برخوردار و دامدارانی که کمتر برخوردار هستند تفکیک قائل شویم، اکنون هیچکدام حاضر به سرمایه گذاری در مرتع نیستند همه از دولت انتظار سرمایه گذاری دارند. بین مدیریت مراتع عشایری و بهره بردار روستایی که بیشترین سطح مراتع در اختیار آنها است باید تفکیک قائل شویم. حل مسائل مراتع روستایی نمی تواند مستقل مسئله توسعه روستا دیده شود یکی از درآمد و مشاغل روستایی استفاده از مرتع برای چرای دام است، افزایش سطح زندگی روستائیان به تنهایی از مسیر منابع درآمدی مرتع نمی گذرد. در مراتع عشایر بهره وری منابع پائین است.
۱۹. در مورد عشایر اسکان یافته باید در نظام دامداری آنها تجدید نظر شود و به دامداری نیمه صنعتی فکر شود. اپتیمم اقتصادی جمعیت گله برای مناطق مختلف روشن نیست. بین عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده باید تفاوت قائل شد. در مورد عشایر کوچنده باید در مورد منبع جایگزین مراتع میان بند به عنوان محلی برای تامین علوفه چاره ای اندیشید.
۲۰. در موضوع مرتع مسئله را نباید آنقدر در ابعاد بزرگ و گسترده ببینیم که نتوانیم راه حلی برای برون رفت از مشکلات آن بیابیم و نه آنقدر آن را محدود کنیم که سرانجام محدود به تعریف چند پروژه خاص شود، مسائلی مانند افزایش درآمد مرتعدار و کاهش هزینه های آن در جای خود خوب است ولی نخست از نگاهی جامع تر باید به یک جمع بندی برسیم و جایگاه افزایش درآمد و کاهش هزینه در آن نگاه جامع بیابیم و به آن بپردازیم.
۲۱. هنوز اطلاعات جامع و کاملی از دام و مرتع نداریم، تا برپایه شناخت نوع مسائل و مشکلاتی که در مراتع مناطق مختلف کشور وجود دارد و شدت بروز آنها راه حلهای متناسب با آن را مورد بحث قرار دهیم.

۲۲. سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور به حسب وظایف قانونی مسئولیتهایی را عهده دار است، و در مدیریت مراتع کشور تعیین حق استفاده از مراتع بر اساس ضوابطی که قانون و آیین نامه های مربوطه مشخص کرده، به عهده سازمان است (تعیین بهره بردار ذیحق، تعداد دام مجاز برای چرا در مراتع و مدت زمان مجاز استفاده از مرتع) برای رفع مسائلی که مانع از اجرای صحیح این قانون می گردد، از جمله دام مازادی که در بسیاری از موارد متاثر از تعداد زیاد جمعیت بهره بردار است، قانون وظیفه ای برای سازمان تعریف نکرده است، اختیاری فراتر از وظایف قانونی برای ورود به مسائل ندارد و امکانات لازم حتی برای انجام همین وظیفه تعریف شده در قانون نیز ندارد.

۲۳. در پرداختن به موضوع درآمد و هزینه مرتعدار باید بین نظام عشایر و روستایی تفاوت قائل شویم، و توجه داشته باشیم که در روستا درآمد صاحبان دام استفاده کننده از مراتع، عمدتاً متکی به کشاورزی است. اگر در ارائه نظرات، افزایش درآمد و کاهش هزینه را به عنوان راه حلی برای فراهم کردن زمینه بهبود مراتع می دانیم باید درآمد فرد از مرتع و کشاورزی را توأم مورد ملاحظه قرار دهیم علاوه براین در روستا ممکن است برخی افراد که صاحب دام استفاده کننده از مرتع هستند درآمد از منابع غیر وابسته به کشاورزی داشته باشند.

۲۴. به نظر می رسد تصور از درآمد زائی از سایر منابع مرتعی برای مرتعدار غیر واقعی است، از جمله گیاهان دارویی (در همه مراتع گیاهان دارویی از نظر نوع و تراکم در اندازه ای نیستند که بتواند درآمد قابل اعتنایی برای مرتعدار داشته باشد، دوم اینکه در مناطقی که این بهره برداری ها صورت می گیرد، اغلب توسط غیر مرتعدار است. (رفع مشکلات پیش روی اصلاح نظام بازرگانی و دلالتی پیچیدگی های زیادی دارد، بنابراین توجه به سازو کار بازار از اهمیت زیادی برخوردار است)، ظرفیت گردشگری فقط در نقاط خاصی مطرح است، ولی هنوز این اطمینان را نمی توان داد که فعال کردن این ظرفیت منجر به اثر مثبت برای بهبود مراتع گردد، زیرا در مدیریت مناطقی که اکنون عرصه گردشگری است، مشکلاتی وجود دارد که نگرانی هایی را در خصوص تخریب ناشی از گردشگری نادرست را موضوعیت می بخشد. شاید تنها جنبه ای که درآمد آن می تواند در خور توجه برای مرتعدار باشد تغییر کاربری است که این امر نیز موضوعی است که باید خیلی سنجیده و با اتکاء به قوانینی که اطمینانهای لازم را برای عدم انحراف از مسیر اهداف آن فراهم نماید، مورد توجه قرار گیرد.

۲۵. جامعه مرتعدار را نباید جامعه ای یکدست تلقی کرد، این گونه نیست که همه مرتعداران بنیه اقتصادی مناسب برای هزینه در امر توسعه مرتع نداشته باشند، کمترین هزینه ای که لااقل از قشر برخوردار مرتعدار می توان داشت، رعایت ظرفیت چرا و کاهش جمعیت دام مازاد است. در مورد این بخش از جامعه مرتعدار باید در اجرای قانون جدی تر عمل کرد. باید توجه داشت که تخریب مرتع به معنی ایجاد نوعی هزینه ملی برای کشور است، زیرا پیامدهای آن محدود به زندگی همان مرتعدار و همان مرتع نمی گردد، هزینه های ناشی از فرسایش خاک و کاهش عمر مفید سدهای ذخیره ای به دلیل افزایش رسوب، از بین رفتن ذخایر ژنی گیاهی کشور و کاهش تنوع زیستی که ایران متعهد به بهبود آن در کنوانسیونهای بین المللی است، از جمله خسارتهای ناشی از تخریب مراتع است، از این رو برای بخشی که کاهش جمعیت دام زندگی آنها را مختل نمی کند باید جدی تر بود.

۲۶. اگر اصل استفاده متناسب با ظرفیت تولید را از مراتع همه پذیرفته اند، بنابراین در مورد عشایر کوچ رو که مشکلات ناشی از ورود زود هنگام آنها به مراتع و خروج دیر هنگام آنها از مراتع در بسیاری از مناطق به دلیل تغییر کاربری مراتع میان بند به سایر کاربری ها از جمله کشاورزی موضوعیت یافته است، بنابراین باید برای تقویم زمانی که دام در مرتع میان بند بوده است، چاره اندیشی کرد، اگر بپذیریم که هزینه تخریب مراتع در بسیاری از موارد زیاد و در مواردی غیر قابل جبران است، خرید زمین های کشاورزی در قلمرو میان بند و تخصیص آنها برای تامین علوفه دام عشایر با حمایت تسهیلاتی دولت به عشایر به عنوان یک راه حل جهت برون رفت از این مشکل قابل تامل و بررسی می باشد. تکرار طرح مشکل تاکنون نتیجه برای حل آن نداشته است.

۲۷. بهتر است همه جامعه و دست اندرکاران در کشور هزینه های لازم برای حل مشکلات مراتع را متقبل شوند کمااینکه در برخی از مسائل از جمله مسئله آب به مراتب توجه بیشتری صورت می گیرد و جامعه بخشی از هزینه های

آب را متقبل می شود ولی در مرتع که یکی از منافع آن برای کشور تامین آب سالم است، این توجه صورت نمی گیرد. باید توجه داده شود که آثار اقتصادی مرتع در صورت پایداری مرتع، دائمی است.

۲۸. به کاهش درآمد مرتعدار در مواردی که نوسانات بازار آن را متضرر می کند، مشابه سایر مسائل توجه نمی شود، به محض افزایش قیمت گوشت، با واردات گوشت ارزان درآمد مرتعدار که علی القاعده باید متناسب با تورم افزایش یابد، کاهش داده می شود، ولی هزینه های آن از جمله تامین جو که بخشی از هزینه علوفه زمستانی دام را در بر می گیرد، دامدار وابسته به مرتع باید از بازار آزاد تهیه کند. اگر حل مسائلی از این نوع مورد توجه قرار گیرد، می توان در افزایش درآمد مرتعدار کمک موثری داشته باشد.

۲۹. موضوع مرتع یک مسئله توسعه ای است، توجه به همه پتانسیل های مرتع از جمله گردشگری، معدن، زنبور عسل باید برای افزایش درآمد مرتعدار برای آن منافی از این پتانسیل ها دیده شود.

۳۰. تغییر کاربری با هدف فراهم کردن زمینه بهبود مراتع و اقتصاد بهره بردار مطرح است، ولی موضوعی حساس و پیچیده است از این رو نباید تا قبل از اطمینان از در اختیار بودن قوانین کارآمد برای جلوگیری از انحراف از اهداف، به آن رسمیت داده شود. نظر به اینکه در همه مراتع پتانسیل لازم برای تغییر کاربری وجود ندارد، بنابراین در مراتعی که تغییر کاربری موضوعیت می یابد منافع آن برای عرف های هم جوار و به بیان دیگر از این امکان برای مشکلات مراتع همجوار نیز باید استفاده گردد.

۳۱. در سایر پتانسیل ها که برای حل مشکلات مرتع مطرح می گردد از جمله پرورش آبزیان، زنبورداری، گردشگری، سازمان از ظرفیت فنی لازم برای مدیریت آن برخوردار نیست. در ادامه اعضای جلسه به شرح زیر نقطه نظرات خود را مطرح کردند:

(مهندس صفرزاده): اهمیت مرتع روشن است ولی وضع موجود خیلی روشن نیست علی رغم اینکه حاکم نبود نظامی کارآمد در مرتع بر اساس اطلاعات دقیق نداریم، وضع موجود را صحیح تبیین نکرده ایم و به همین دلیل راه حل خوبی ارائه نکرده ایم. بعد از ملی شدن جنگلها و مراتع شرایط متفاوت و نوعی به هم ریختگی ایجاد شد. تا زمانی که وضع بهره برداران، اشتغال و درآمد آنها درست نشود هیچ کاری نمیتوان کرد. ۷۲٪ دام و ۶۲٪ مراتع روستایی است و در تمام سال هم از مرتع استفاده می کند هیچ کاری هم نمیتوان با آن کرد حتی در مواردی برف روی زمین است دام هم در مرتع است. سطح مرتع در صورتیکه عشایر ۴ ماه ییلاق و سه ماه قشلاق هم سه ماه هستند. ۳۸٪ مراتع، عشایری است که بخشی با مرتع روستایی تداخل دارد. شواهد نشان می دهد مراتع عشایری بهتر از مراتع روستایی است. بیشتر هم به همین بخش عشایری پرداخته ایم و با بخش روستایی به صورت جدی کاری نداریم. سؤالاتی از قبیل:

۱- میزان عدم تعادل در مراتع در چه حدی است؟

۲- علت عدم تعادل چیست؟

ما از جایگاه مردم در مدیریت بهره بردار غفلت کرده ایم قبل از ملی شدن صاحب داشتند و حفظ می کردند با ملی شدن وجه مردمی مدیریت مرتع ضعیف شد. ۲۳۰ هزار بهره بردار عشایر داریم که یک ظرفیت حفاظتی برای مرتع هستند و از تعرض جلوگیری می کنند چون محل تامین معاش آنها است. اکنون واگذاری مسئولیت به مردم را پیگیری می کنیم. توان دولت در حد ۵ تا ۶ هزار نفر پرسنل اداری است که روزانه ۸ ساعت کار می کنند. ما مردم که در تمام ایام سال در مرتع حضور دارند مورد توجه جدی قرار ندادیم. یکی از مسائل که باید در برنامه ششم مورد توجه قرار دهیم حساس کردن مردم نسبت به مراتع اکنون این گونه نیست.

مثال، بی تفاوتی مردم نسبت به آتش سوزی مرتع و اینکه منتظر حضور دولت برای خاموش کردن مرتعی هستند که از آن بهره برداری می کنند. قبلا حتی درختان صاحب داشتند. در قالب اسکان بخشی از عشایر که سرریز جمعیت عشایر هستند از مراتع خارج می شوند. میانگین مرتع عشایر ۱۵۰ هکتار، متوسط دام هر خانوار ۱۱۲ راس بر این اساس تعداد دام بیش از ظرفیت مرتع است.

تنوع بخشی به منابع در آمدی عشایر از مسائل در خور توجه و اهمیت هستند. برای توسعه فعالیت‌هایی مانند زنبورداری، کشت گیاهان دارویی، به دلیل اینکه بعد از تفکیک وظایف از حوزه مسئولیت سازمان امور عشایر جدا گردید اعتباری در این زمینه در اختیار سازمان امور عشایر قرار نمی گیرد ولی ما آماده همکاری با دستگاه‌های مرتبط هستیم در موارد از جمله استان آذربایجان غربی عشایر اسکان یافته و روستا شده و کد گرفته است. در مواردی که اسکان می یابند مرتع قطب مخالف آزاد می شود.

(مهندس بهزاد): آمار دام ۷۰ میلیون مطرح می شود و کاهش ۲۰ میلیون نسبت به ۸۲ مطرح است. یکی از مشکلات نبود آمار صحیح و قابل اعتماد است از این رو موضوع راستی آزمایی آمار باید مورد توجه قرار گیرد در خصوص بهره بردار آمار یک بهره بردار در ۲ استان (قشلاق و ییلاق) لحاظ می شود و جمع کل آمار را به صورت غیر واقعی زیاد نشان می دهد. ممیزهای هم قدیمی و مشکلات زیادی دارد و تا کنون به هنگام نشده است. ۹۱۶ هزار خانوار بهره بردار صحیح نیست. مسائلی مانند دامداران بدون پروانه، دامدارانی که کهولت سن دارد و فرزندانشان این حرفه را پیگیری نمیکنند مطرح ولی ابعاد آن از نظر کمیت و مناطق آنها نامشخص است

بخشی از مشکل مربوط به عدم نظارت و پایش است. ۱۸ میلیون هکتار مرتع واگذار ولی ۱۴ میلیون هکتار در دست اجرا داریم. طرح اجرا شده موفق خیلی کم وجود دارد. ضعف در کیفیت برخی از طرحها در مراحل تهیه و حتی تصویب، عدم تطابق طرحها با عرصه در مرتع به نحوی که نوعی بن بست احساس می شود. ۵ برنامه پشت سر گذاشته ایم هیچیک را بررسی نکرده ایم. اگر قبلی باید بازنگری شود، اصلاح شود باید برنامه ای متناسب با شرایط و سیاست روز کشور ارائه کنیم.

پرسنل شاغل در مرتع از توانمندی و کیفیت متناسب با مسئولیتهای دفتر برخوردار نیستند. تغییر پست نیروهای پشتیبانی به کارشناس، عدم ثبات مدیریت، نظارت، تهیه طرح، آمار و نیروی کیفی

(دکتر احسانی): باید جهت گیری جلسه به سمتی برود که حاصل آن ارائه احکام پیشنهادی برای برنامه ششم باشد بحثهای کلی خوب است ولی در عمل آنچه می تواند تاثیر گذار باشد پیش بینی احکام برای برنامه ششم بر اساس ظرفیتهای، چالشها، راهبردها، اهداف است توجه به احکام برنامه ای و موضوعات خاص در خصوص عشایر مسائلی مانند در آمد، اشتغال، یارانه ها، بهداشت، باید روشن شود که درجه بخشی می خواهیم وارد شویم

(دکتر باغستانی): اقتصادی کردن در آمد بهره برداران، آیا می دانیم یک واحد دامی چه میزان در آمد خالص دارند. باید اطلاعات پایه صحیح در این زمینه را مورد نظر قرار داد.

(دکتر رزاقی): آیا مدل موفقی در کشور داریم که توسعه آن را برای برنامه ششم مبنا قرار دهیم. جامع نگری و مشارکت مردم از مسائلی است که در خصوص نحوه انجام آن هنوز در داخل سازمان یک همگرایی نداریم. علی رغم اینکه همه برای عرصه ای واحد کار کنیم، تکرار یک کار برای یک عرصه در دو مقطع زمانی با تغییر مدیریتها اتفاق می افتد. اینها نشانه ای خوبی نیست. در خصوص جامع نگری در وزارتخانه تفاهم نامه مطرح می شود ولی در قالب برنامه، عملیاتی صورت نمیگیرد مردم در جریان تصمیمات نیستند وقتی در جریان تصمیم نیستند چگونه انتظار داریم مردم همکاری کنند. بخش مهمی از مشکل درون سازمانی است.

(دکتر ارزانی): اسکان، عشایر از گردونه مرتع خارج می کند، تنوع بخشی مطرح می شود ولی مهم چگونگی عملی شدن آنها است که توجه نشده است. ارگانیک تلقی شدن محصولات مرتع باید مورد توجه قرار گیرد. سازمان جنگلها به ۳ راهکار رسیده است: ۱- جامع نگری ۲- مشارکت ۳- گیاهان دارویی در کنار علوفه

(مهندس بهزاد): شناسنامه دار کردن دامها و پلاک گذاری، مکانیزه کردن اطلاعات. آمار سرشماری بر اساس پرسشنامه های آماری و مبتنی بر اظهار افراد است. آمار مطمئن از طریق شمارش دام و شناسنامه دار کردن آنها امکان پذیر است

(مهندس نعمت الهی): آمار مشکل داریم. آمار مورد استناد سازمان امور عشایر، آمار مرکز آمار ایران است. تفاوت آمار ییلاق و قشلاق اشتباه ما است که دو جا محاسبه می کنیم. ۲۳ میلیون واحد دامی عشایر در کل کشور است. در خصوص سوخت عشایر تا ۸۰٪ تحت پوشش است. در خصوص محصولات ارگانیک تولیدی عشایر طرحی در استان چهارمحال و کرمانشاه در دست انجام است و سه الی چهار سال زمان تا رسیدن به مرحله برند سازی و عملیاتی شدن دارد. مسئله دیگر از بین رفتن ایل راه ها است نتیجه از بین رفتن آن سه ماه زمان بدون علوفه در عرصه داریم سازمان امور عشایر استفاده از ایستگاه انتظار دام را برای این مسئله پیشنهاد در در دستور قرار داده است.

(مهندس صفر زاده): اکنون که در مرحله تنظیم احکام هستیم. توجه داشته باشید که در خصوص برنامه ریزی در مورد مرتع سازمان عشایر مسئولیتی ندارد. مرتع و دامپزشکی قبلا با سازمان امور عشایر بود، بعد از آن به دستگاههای مربوطه واگذار شد ولی سازمان امور عشایر این بخش از کار را با هماهنگی منابع طبیعی انجام می دهد. درآمد سرانه خانوار عشایر بر مبنای آمار سال ۹۲، ۸ میلیون تومان است که ۴ میلیون آن مربوط به مرتع است. اندازه اقتصادی سال ۷۶ تعداد ۲۵۰ راس دام مطرح شده، اکنون کمتر از نصف است جامعه عشایر از نظر سواد نسبت به قبل بهتر شده است. مشارکت پذیری خوب است هدف اسکان سامان دادن سرریز جمعیت عشایر است، کاهش فشار بر مرتع مشروط به مدیریت صحیح و کفایت منابع محل اسکان برای تامین آنها. آزاد سازی قطب مخالف همه جا منطقی نیست یک هکتار زمین می گیرد به ازای چندین هکتار مرتع که از عشایر گرفته می شود. محدودیت آب برای اسکان، پایش را جدی بگیریم. واحد تعادل دام و مرتع، نمونه طرح های موفق را افزایش دهیم.

(دکتر ارزانی): بهره برداری از یک عرصه به چند نفر پروانه می دهد. مرتعدار، زنبوردار. اسکان عشایر به معنی تغییر شغل نباشد.

(مهندس سلحشور): تصمیم گیری در سطح استان از طریق کمیته های مشترک، آموزش در عرصه

(مهندس فیاض): با توجه به اینکه برخی از اعضای جلسه جدید وارد شدند و دیدگاه‌های خود را مطرح کردند قدری موضوعات مطرح شده گرچه مهم، لازم و به نوعی باید مورد توجه قرار گیرد ولی مسائل بهتر است مشخص تر در دستور کار جلسه مورد بحث قرار گیرد.

دستور پیشنهادی جلسه:

چه راه حل و یا راه‌حلهایی برای سه ماه زمانی که عشایر به دلیل از بین رفتن مراتع میان بند محلی برای تامین علوفه در عرصه ندارند، وجود دارد که بتوان به نوعی در احکام برنامه ششم مورد توجه قرار داد.

اگر حفظ مراتع تحت مدیریت عشایر بهتر از مراتع تحت مدیریت روستائیان اتفاق می‌افتد، آیا عشایری که اسکان می‌یابند الزامی به گرفتن مراتع قطب مخالف آنها باید باشد؟ با این فرض که اگر عشایر بعد از اسکان کارکرد روستائینی را پیدا می‌کنند که تجربه نقش مخرب آنها را در مراتع نشان داده است. آیا بهتر نیست عشایر از مزایای اسکان در زمینه‌های بهداشت، آموزش و ... بهره‌مند و دولت از طریق حفظ حقوق آنها در مرتع قطب مخالف از نقش آنها در حفظ مراتع استفاده کند؟

آیا دامداری نیمه صنعتی در مناطق اسکان عشایر اقدام مناسبی و در جهت توسعه عشایر و مراتع کشور است؟